

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ملت‌سازی و دگرگونی هویتی زنان در دوران شوروی (۱۹۱۷-۱۹۹۱) و پسا شوروی (۱۹۹۱-۲۰۲۲): مطالعه موردی قزاقستان

طیبه قلی‌پوری^۱

الهه کولایی^۲

چکیده

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، روند شکل‌گیری هویت در چارچوب ایدئولوژی سوسیالیستی بلشویک‌ها سامان گرفت. یکی از محورهای اصلی این ایدئولوژی بازآفرینی مسئله زن و تلاش برای ساخت «زن جدید شوروی» بود؛ زنی که بتواند هم‌زمان در حوزه‌های خانواده، سیاست و اقتصاد نقشی فعال داشته باشد. در این زمینه، سازمان‌هایی چون سازمان زنان حزب کمونیست کوشیدند با ایجاد فرصت‌های آموزشی، اجتماعی، سیاسی و شغلی، زنان را به مشارکت در ساختار قدرت تشویق کنند. با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، قزاقستان دستخوش دگرگونی‌های ساختاری و ایدئولوژیک شد. سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی در پی فروپاشی اتحاد، در عمل بیش از آنکه به بهبود شرایط اجتماعی زنان بینجامد، جایگاه اجتماعی آنان به تدریج کاهش داد.

واژگان کلیدی:

هویت، ملت‌سازی، اتحاد شوروی، پسا شوروی، آسیای مرکزی، قزاقستان

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

^۱. دانش‌آموزانه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران. تهران، جمهوری اسلامی ایران.

t.gholipouri.1992@gmail.com

^۲. نویسنده مسئول و استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران. تهران، جمهوری اسلامی ایران. ekolaee@ut.ac.ir

مقدمه

ایدئولوژی بلشویک با هدف ایجاد مجموعه‌ای از اسطوره‌های دائمی در مورد «زن جدید سوسیالیست» به بازآفرینی هویت‌های جنسیتی منجر شد. بعد از انقلاب ۱۹۱۷ و پیروزی بلشویک‌ها، در سال ۱۹۲۴ طرحی با هدف سازماندهی اتحاد شوروی براساس خطوط ملی از سوی مسکو آغاز شد که تا سال ۱۹۳۸ به طول انجامید. در این سال‌ها سیستم فرهنگی، سیاسی، ملیتی و در نتیجه هویتی بلشویکی (هرچند ناسازگار) جایگزین هویت دیرین آسیای مرکزی شد. با پروژه ملت‌سازی بلشویکی زیر پرچم «ملت‌های سوسیالیستی» مرزهایی ترسیم شدند که کمترین ارتباط تاریخی میان سرزمین قومی با هویت داده شده به آن منطقه یافته می‌شد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، قزاقستان نخستین کشور آسیای مرکزی بود که در سال ۲۰۰۶ یک سازمان ملی برای ترویج برابری جنسیتی ایجاد کرد با عنوان: کمیسیون ملی زنان، خانواده و سیاست جمعیت. در سال ۲۰۰۹، قانون تضمین حقوق برابر و فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در این کشور تصویب شد. در سال ۲۰۱۶، مفهوم سیاست خانواده و جنسیت تا سال ۲۰۳۰ تصویب شد تا با تضمین حقوق برابر برای همه افراد، از تبعیض جنسیتی جلوگیری کند. اگرچه اهداف این سازمان‌ها ترویج سطح زندگی مناسب برای زنان به دور از تبعیض جنسیتی بود، اما با بررسی روند فعالیت این سازمان‌ها در کشور قزاقستان روشن می‌شود که بیشترین توجه سازمان‌های بین‌المللی به نهادینه‌سازی ایده‌های ملی‌گرایانه بوده است.

در این نوشتار با توجه به نوپا بودن مفهوم ملت‌سازی و تأثیر آن بر هویت، نخست به تعریف مفهوم هویت می‌پردازیم تا ارتباط میان هویت و ملت‌سازی، روش‌ها و ابزارهای آن را روشن کنیم. در ادامه، تأثیر هر یک از شاخص‌ها بر هویت زنان در دوره‌های یاد شده بررسی می‌شود. براین اساس مسئله اصلی این نوشتار، تبیین چگونگی تأثیر ملت‌سازی بر شکل‌گیری هویت زنان در دوران شوروی (۱۹۱۷-۱۹۹۱) و پساشوروی (۱۹۹۱-۲۰۲۲) در کشور قزاقستان است. این نوشتار بر این مفروض استوار است که تداوم مسئله زن پساشوروی قزاقستان، ریشه در نقش ایدئولوژی کمونیسم شوروی و ملت‌سازی در تعریف هویت زنان دارد. این پژوهش از نظر سرشت توسعه‌ای و از نظر رویکرد توصیفی - تحلیلی است. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش به صورت کیفی و از نوع مطالعه موردی و ردیابی فرایند^۱ است.

^۱. Process Tracking

ادبیات پژوهش. تأثیر سیاست و ایدئولوژی بلشویکی در شکل‌دهی هویت زنان، از موضوع‌هایی بوده است که در پژوهش‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای تا حد زیادی با کم‌توجهی روبه‌رو بوده است. تاکنون پژوهشگران بی‌شماری به اهمیت نقش ایدئولوژی بلشویکی در ملت‌سازی شوروی پرداخته‌اند، ولی مسئله‌ای که کمتر به آن توجه شده تأثیر ملت‌سازی در پیدایش زن جدید سوسیالیست، چه در دوران شوروی و چه تأثیر آن در تداوم مسئله زن و هویت زن در دوران پساشوروی است. ووجنوفسکی (۲۰۱۵) در مقاله «مردم شوروی: هویت‌های ملی و فراملی در اتحاد شوروی پس از سال ۱۹۴۵» تمرکز اصلی خود را بر رابطه پویا بین هویت‌های قومی - ملی و مفهوم فراملی «مردم شوروی» از اواخر دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۸۰ قرار داده است. این اثر اگرچه سرشت تلاش‌های ملت‌سازی دولت کمونیستی و تأثیر آن در هویت‌های قومی پس از فروپاشی رژیم تزاری را بررسی می‌کند؛ از توجه به مسئله زنان غافل است.

آیزاکس و پولیز (۲۰۱۶) در کتاب «ملت‌سازی و هویت در فضای پساشوروی» به بررسی فرایندهای پیچیده ساخت ملت و شکل‌گیری هویت‌های ملی در کشورهایی می‌پردازند که پس از فروپاشی اتحاد شوروی به وجود آمده‌اند. گرچه نویسندگان به تعامل پیچیده بین جنسیت و هویت ملی و چالش‌هایی که زنان با آن‌ها روبرو هستند توجه دارند؛ به‌خاستگاه این چالش‌ها که در دوران شوروی و پیشاشوروی باید جست، توجه نکرده‌اند. روئلند در سال (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «سی سال ملت‌سازی در کشورهای پساشوروی» تا حد زیادی به اهمیت پروژه ملت‌سازی در شکل‌دهی هویت ملی می‌پردازد. این نوشتار بررسی جامعی از چالش‌ها و نتایج تلاش‌های ملت‌سازی در جمهوری‌های پیشین شوروی از هنگام فروپاشی اتحاد شوروی در پایان سال ۱۹۹۱ ارائه می‌دهد. این اثر باوجود بررسی نتیجه ملت‌سازی شوروی در کشورهای استقلال یافته پس از شوروی، به تأثیر سیاست‌های شوروی در شکل‌دهی هویت زنان نپرداخته است. مقاله روئلند (۲۰۲۳) تا حد زیادی به اهمیت پروژه ملت‌سازی در شکل‌دهی هویت ملی می‌پردازد. این نوشتار بررسی جامعی از چالش‌ها و نتایج تلاش‌های ملت‌سازی در جمهوری‌های پیشین شوروی پس از فروپاشی در سال ۱۹۹۱ ارائه می‌دهد. روئلند اشاره می‌کند که امیدهای اولیه برای دموکراتیک‌سازی از راه تعیین سرنوشت ملی تا حد زیادی برآورده نشده است.

سارسمبایف (۱۹۹۹) در مقاله «جوامع تصور شده: ملی‌گرایی قزاق و قزاق‌سازی در دهه ۱۹۹۰» پدیدارشدن ملی‌گرایی قزاق و فرایند قزاق‌سازی در قزاقستان در دهه ۱۹۹۰ را

بررسی می‌کند. این اثر اگرچه استراتژی‌های دولت قزاقستان برای ترویج زبان، فرهنگ و هویت قزاق و چالش‌ها و مقاومت‌های این دوره را نشان می‌دهد؛ زنان در بررسی تأثیر این استراتژی‌ها غایب هستند. اینسبایوا (۲۰۱۶) در مقاله «تصور ملت: هویت، ملت‌سازی و سیاست خارجی در قزاقستان» به بررسی تعامل پیچیده هویت ملی، تلاش‌های ملت‌سازی و سیاست خارجی در قزاقستان می‌پردازد. به باور اینسبایوا، امنیت برای دولت قزاقستان نه تنها به صورت نظامی، بلکه در ابعاد محیط زیستی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تفسیر می‌شود. این پژوهش هیچ اشاره‌ای به نقش زنان در برقراری امنیت دولت قزاقستان نمی‌کند. با توجه به ادبیات موضوع این مقاله در کارهای موجود که انتشار یافته است، اشاره‌ای به موضوع تأثیر ملت‌سازی بر دگرگونی هویتی زنان در دوران شوروی و پس از آن نشده است.

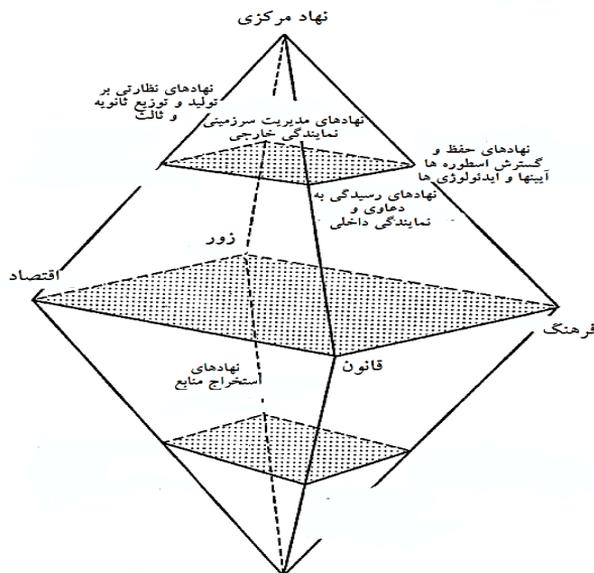
چارچوب مفهومی. هویت و ملت. مفهوم هویت در حقیقت پاسخی به پرسش‌های «چه کسی بودن» و «به چه جامعه‌ای و به چه ارزش‌هایی تعلق داشتن» است. بر پایه تعریف هنری تاجفل مردم بیشتر خود را با عنوان هویت جمعی و کمتر با عنوان هویت فردی طبقه بندی می‌کنند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۳). بطور کلی، می‌توان گفت هویت جمعی انسان‌ها با شکل سیاسی غالب در جامعه هماهنگ است. با تمرکز بر بعد سیاسی هویت جمعی موضوع هویت ملی مطرح می‌شود، مفهومی که در مقایسه با هویت جمعی جدید به شمار می‌آید. اسمیت در تعریف هویت ملی می‌گوید: «بازتولید و بازتفسیر دایمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و عناصر فرهنگی‌اش» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۹). هویت ملی تنها مقوله‌ای ایدئولوژیک و سیاسی است که به سرمنزل فرهنگ فرود می‌آید و با مفهوم ملت درهم آمیخته است (ستاری، ۱۳۸۷: ۱۵). پیدایش مفهوم ملت در سده هجدهم اروپا با انقلاب فرانسه گره خورده است. انقلاب فرانسه برای نخستین بار حاکمیت مطلق پادشاهان و امپراتوری‌ها را از میان برداشت و آن را در اختیار مردم یعنی ملت فرانسه گذاشت. منظور از «ملت» در این گزاره یک جمعیت انسانی است که اعضای آن خود را به سرزمین تاریخی، اسطوره‌ها، خاطره‌های تاریخی، فرهنگ عمومی، اقتصاد مشترک متعلق می‌دانند و در قالب آن برای خود حقوق و وظایف قانونی مشترک قائل هستند (عطایی، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

ملت‌سازی و روش‌های آن. ملت‌سازی یک پروژه سیاسی و استراتژیک از بالابه‌پایین است که توسط نخبگان سیاسی هدایت و اجرا می‌شود. اگرچه هدف از ملت‌سازی ایجاد یک جامعه ملی واحد و منسجم است بی‌تردید نمی‌توان روشی یافت که همه ابعاد ملت‌سازی در

یک منطقه خاص را توضیح دهد، زیرا ملت‌سازان یا همان نخبگان سیاسی از روش‌ها و سیاست‌های گوناگونی برای ملت‌سازی استفاده می‌کنند. در این پژوهش از روش‌های ملت‌سازی میلوناس نویسنده کتاب «سیاست‌های ملت‌سازی: ایجاد هم‌میهنان، پناهندگان و اقلیت‌ها» استفاده شده است. تبیین فرایند ملت‌سازی در اتحاد شوروی با روش‌هایی که میلوناس مطرح می‌سازد، نه تنها رویدادهای این دوره را قابل فهم می‌کند؛ بلکه به خواننده این دید را می‌دهد که تأثیر پروژه ملت‌سازی بر زایش هویت کمونیستی را توضیح دهد. این نویسنده ملت‌سازی را این‌گونه تعریف می‌کند: اقتدار مشروع در دولت‌های ملی جدید به حاکمیت مردمی و به اکثریت مربوط است. ملت‌سازی فرایندی است که از طریق آن این اکثریت ساخته می‌شوند (۲۰۱۲: ۱۷). او برای مفهوم‌سازی فرایند ملت‌سازی از سه روش همگون‌سازی، سازگاری و از میان برداشتن (حذف کردن) کمک می‌گیرد.

ملت‌سازی و ابزارهای آن. از آنجاکه ملت‌سازی یک پروژه محسوب می‌شود و نه یک روند طبیعی تاریخی، نخبگان سیاسی برای موفقیت‌آمیز بودن آن ابزارهایی به کار می‌گیرند که همه ابعاد زندگی افراد جامعه را در بر گیرد. به‌طور کلی، در روند ملت‌سازی چهار متغیر و یا شاخص مورد بحث است که در شکل شماره ۱ قابل دیدن است: فرهنگ، زور، قانون و اقتصاد (Rokkan, 1971: 12).

شکل ۱-۱. شبکه‌ای سه‌بعدی برای تعیین موقعیت متغیرها در مطالعه شکل‌گیری دولت و ملت‌سازی



این پژوهش در توضیح روش‌های ملت‌سازی به دو شاخص فرهنگ و زور توجه دارد با این توجیه که نخبگان سیاسی و رهبران دولتی در کنار ابزارهای نرم ملت‌سازی به جهت تحمیل ایدئولوژی و سیاست مورد نظر خود از ابزارهای قهری همراه با زور نیز استفاده می‌کنند. در اینجا منظور از ابزار نرم همان شاخص فرهنگ و ابزار قهری همان شاخص زور است. در ادامه نمونه‌هایی از هر شاخص با توضیح‌ها بررسی شده است.

۱. ملت‌سازی در منطقه آسیای مرکزی در دوران اتحاد شوروی

تعریف بلشویک‌ها از دولت سوسیالیستی آن است که کارگران به هیچ دولت - ملتی تعلق نداشته باشند. در سال ۱۹۱۳ استالین مقاله‌ای با عنوان «مارکسیسم و مسئله ملی» منتشر کرد و «ملت» را «یک جامعه پایدار و تاریخی از مردم که بر اساس زبان، سرزمین، زندگی اقتصادی و ساختار روانی مشترک که در یک فرهنگ مشترک تجلی یافته است» تعریف کرد (Stalin, 2021: 7). او معتقد بود که خودمختاری منطقه‌ای مردم را بر اساس ملت‌ها تقسیم نمی‌کند، بلکه موانع ملی را از بین می‌برد و جمعیت را به گونه‌ای متحد می‌کند که راه را برای تقسیم بر اساس طبقات باز می‌کند. در نتیجه، استالین بر قابل‌اعمال بودن اصول خودمختاری منطقه‌ای در ساختار حزبی تأکید کرد و اجازه داد که شعبه‌های حزبی منطقه‌ای (و نه ملی) در چارچوب یک حزب واحد فعالیت کنند (Ubiria, 2016: 68). در ابتدا سیاست بلشویک‌ها در سطح نظریه دفاع از حق تعیین سرنوشت بود، اما در سطح عمل به تدریج شاهد تغییر این سیاست پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بودیم.

بر پایه‌ی تعریف میلوناس روش همگون‌سازی با هدف ایجاد یکپارچگی هویت ملی انجام می‌شود. بلشویک‌ها در پروژه ملت‌سازی به روش همگون‌سازی از ابزار «فرهنگ» یاری می‌گرفتند. فرهنگ در بلشویسم در حقیقت با پروژه تربیت روستایی‌ها برای تبدیل شدن به شهروند نمونه شوروی آغاز شد. لنین پایه‌گذار پروژه فرهنگی‌سازی^۱ در اتحاد شوروی بود. او باور داشت «برای آن که کشور دستاوردی در زمینه اقتصاد و سیاست داشته باشد، باید کارگران و کشاورزان به حد معینی از آموزش برسند. همه مردم باید یک دوره توسعه فرهنگی را طی کنند و ساختن یک فرهنگ سوسیالیستی نقطه عطفی خواهد بود در حیات معنوی جامعه. در نظر او جهان بینی مارکسی تنها نشانگر منافع و دیدگاه و فرهنگ انقلابی پرولتاریا است» (عطایی، ۱۴۰۰: ۸).

^۱ پروژه فرهنگی‌سازی در دوران شوروی به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ رایج شد و به یک ایده‌آل سوسیالیستی تبدیل شد که بیانگر آداب، رفتار متمدن، سواد، رعایت نظافت شخصی، داشتن تحصیلات و پذیرش ارزش‌های سوسیالیستی بود.

(kul'turnost به روسی (культу́рность)

در روش سازگاری تفاوت‌های یک گروه غیراصلی تا حدی محترم شمرده می‌شود و نهادهایی برای تنظیم و تداوم این تفاوت‌ها ایجاد می‌شود که خود زیر نظر گروه اصلی اداره می‌شود. مردم آسیای مرکزی از سال‌ها پیش‌تر از انقلاب ۱۹۱۷ با باورهای اسلامی خو گرفته بودند، اما مخالفت با طبقه بورژوازی و مقاومت در برابر سرمایه‌داری موجب شده بود مقاومت خاصی از خود نشان ندهند و شوروی را به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف اصلاح‌طلبانه خود بپذیرند. اقدام بلشویک‌ها در دو برنامه پنج‌ساله از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۹ گویای متوازن‌سازی هدف ایدئولوژیک - ایجاد یک دولت سوسیالیستی متناسب با شرایط منطقه بود. در حقیقت، پروژه ملت‌سازی بلشویک‌ها به روش سازگاری تلفیقی از قومی‌سازی و ترویج جامعه‌گرایی مذهبی اما کنترل شده است. سیاست انتقال جمعیت، تبعیدهای اجباری، سرکوب، پاک‌سازی و اعدام در اتحاد شوروی از جمله اقدام‌های قهرآمیز هستند که در پروژه ملت‌سازی به روش از میان برداشتن جای می‌گیرند.

تأثیر ملت‌سازی بر پیدایش هویت زنان آسیای مرکزی. درک هویت زنان در دوران شوروی به فهم مسئله زن^۱ از نگاه بلشویکی و فراتر از آن ایدئولوژی کمونیستی نیاز دارد. تفسیر ویژه لنین از مارکسیسم به زایش ایده زن انقلابی کمونیستی و خانواده سوسیالیستی با هدف رهایی زنان از بردگی منجر شد. پروژه ملت‌سازی شوروی در حوزه زنان دولا به بود؛ به بیانی دیگر زنان به شکلی دوچندان زیر تأثیر پروژه ملت‌سازی قرار گرفته‌اند. زنان به همراه دیگر شهروندان شوروی یک بار به شکلی کلی‌تر هدف ملت‌سازی قرار می‌گرفتند و برای بار دیگر به‌موجب جایگاه پرولتاریایی خود در درون خانواده هدف ملت‌سازی قرار می‌گرفتند که خود با فشار دوچندان زن نمونه کمونیستی بودن همراه بود. رویارویی با مسئله زنان در دوره هر یک از رهبران اتحاد شوروی به تشکیل یک نهاد یا سازمان در حوزه زنان منجر شد. سیاست جنسیتی لنین و قانون مدنی که بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۸ تصویب کردند، طیف گسترده‌ای از حقوق و آزادی‌های مدنی را به زنان داد و برابری در میان زن و مرد را طبق قانون ایجاد کرد (قانون خانواده، بدون تاریخ). با این حال، رهبر سیاسی جدیدی که پس از مرگ ولادیمیر لنین در سال ۱۹۲۴ به قدرت رسید، سیاست جنسیتی او را با گذاشتن بار اضافی کارمزدی خارج از خانه و بیشتر کار بدون مزد در داخل خانه بر دوش زنان، دگرگون ساخت (Darbaidze and Niparishvili, 2023:2). در دوره لنین و استالین،

^۱. zhenskii vopros

سازمان زنان حزب کمونیست و کمیته زنان شوروی؛ در دوران خروشچف، شوراهای زنان با عنوان شورای زنان (ژنسوتی)^۱ در دوران گورباچف، اتحادیه زنان شوروی تشکیل شدند.

سازمان زنان حزب کمونیست (ژنوتدل)^۲ در سال ۱۹۱۹ با ابتکار لنین ایجاد شد و در سال ۱۹۳۰ این سازمان به دستور استالین منحل شد. نسخه‌ای خاص از این سازمان که فعالیت‌های حزبی زنان در بخش‌های کوچک را پوشش می‌داد واحد امور زنان (ژنسکتورها)^۳ نام داشت که تنها در آسیای مرکزی فعالیت می‌کرد. تنها سازمان زنانی که توانست از دوره استالین جان سالم به در ببرد، کمیته زنان شوروی^۴ -جانشین کمیته ضد فاشیستی استالین - بود که وظیفه آن مبارزه با فاشیسم بین‌المللی و متقاعدکردن جهان به این موضوع بود که کمونیسم، توانسته زنان را در اتحاد شوروی آزاد کند. با روی کار آمدن خروشچف شوراهای زنان با عنوان شورای زنان (ژنسوتی)^۵ تشکیل شد که وظیفه بازنگری موقعیت زنان در جامعه را بر عهده داشت گرچه به شکلی بسیار محدود اما تأثیرگذار.

در حقیقت، مسئله زنان به طور رسمی تا دوران برژنف بازگشایی نشد. این بازگشایی به دولت اجازه داد تا مشکلات مشارکت زنان در نیروی کار و همچنین بحران جمعیتی ناشی از کاهش نرخ تولد را در حوزه‌های اقتصاد و جمعیت‌شناسی با روشنی بیشتری بررسی کند (Racioppi and See, 1995: 821). با این حال، زمانی که گورباچف دبیرکل حزب کمونیست شد تنها کمیته زنان شوروی بود که به عنوان سازمان رسمی فعالیت می‌کرد. با باز شدن فضای سیاسی پس از روی کار آمدن گورباچف، شوروی شاهد افزایش جنبش زنان، سازمان‌های غیررسمی زنان و حتی گروه‌های سیاسی غیرکمونیست مربوط با زنان بود. نمونه برجسته این جنبش‌ها به هم پیوستن اتحادیه زنان روسیه، انجمن زنان کارآفرین روسیه و اتحادیه زنان نیروی دریایی و رویش جنبشی سیاسی به نام «زنان روسیه» است.

ترجمان بلشویک‌ها از حذف تفکر سنتی و بازسازی شامل این اقدام‌ها می‌شد: سوادآموزی و تحصیل زنان، بازسازی سیستم حقوقی و مدنی، اسلام‌زدایی، شرکت دادن زنان در چرخه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و نفوذ ایدئولوژی با تبلیغات. به بیانی دیگر بلشویک‌ها باید در یک فرایند زنان را به عضو سودمند در جامعه کمونیستی تبدیل می‌کردند که نتیجه آن پیدایش هویت زن کمونیستی در آسیای مرکزی بود.

1. Zhensoviet

2. Zhenotdel

3. Zhensektory

4. the Soviet Women's Committee

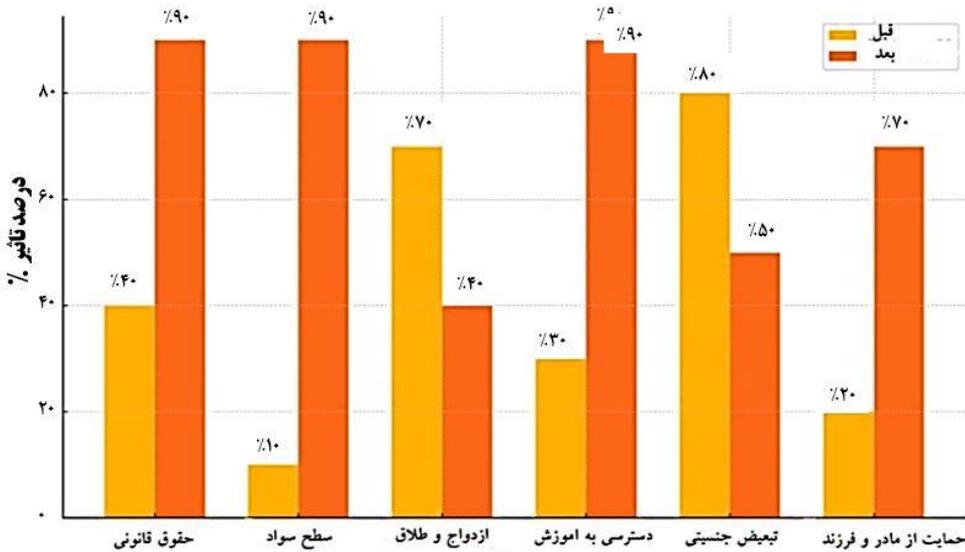
5. Zhensovety

تأثیر بازسازی سیستم حقوقی و مدنی بر جایگاه زنان. نخستین قانون خانواده با عنوان «قانون خانواده» در سال ۱۹۱۸، ثبت مدنی مرگ، تولد و ازدواج، زنان را در برابر قانون با مردان برابر کرد (Pascall & Manning, 2000: 250). اداره ثبت تولد، ازدواج و مرگ و میر در سال ۱۹۱۹ در ترکستان ایجاد شد. در سال ۱۹۲۰، قانون اسلامی (شریعت) و سیستم دادگاه‌های اسلامی با قوانین و دادگاه‌های غیردینی جایگزین شدند (Kandiyoti, 2007: 604). رژیم کمونیستی حداقل سن ازدواج را برای مردان ۱۸ سال و برای دختران ۱۶ سال تعیین کرد. این قانون به مجوز دینی ازدواج پایان داد و برابری میان زن و مرد را تضمین کرد. پرداخت برابر برای کار برابر قانونی شد (Edgar, 2003: 138). قوانین بیشتری برای افزایش ایمنی شخصی زنان تصویب شد. بدرفتاری و توهین به زنان ممنوع شد و مجبور کردن آنان به پوشیدن حجاب غیرقانونی اعلام شد (Montgomery, 2022: 119-120). در سال ۱۹۲۰، سقط جنین قانونی شد. دفتر زنان حزب کمونیست (ژنوتدل) برای افزایش دسترسی زنان به طلاق از طریق دادگاه‌های غیردینی، در سال ۱۹۲۶ بخشنامه‌ای صادر شد که دادگاه‌های مذهبی را از رسیدگی به پرونده‌های طلاق بازمی‌داشت (Engel, 1987: 787). در سال ۱۹۲۴، زنان در قزاقستان و تاجیکستان حق رأی و شرکت در انتخابات را به دست آوردند، در حدود ۲۰ سال پیش از زنان در فرانسه (۱۹۴۴)، ایتالیا (۱۹۴۵) و مکزیک (Goldman, 1993: 194-198).

قوانین چندهمسری و ازدواج اجباری و پرداخت کالیم و دیه (گرامت پرداخت شده به قربانی یک عمل خصمانه با خانواده او) ممنوع شد. در اکتبر ۱۹۲۶، یک قانون جدید در مورد روابط خانوادگی، تمام اختیارات مذهبی در ازدواج را بی‌اعتبار کرد و اعلام کرد که ازدواج ثبت‌نشده همان حقوق و تعهدهای ازدواج ثبت‌شده را داشت. در آوریل ۱۹۲۸، یک قانون واحد تحت عنوان «جرایمی که بقایای نظام قبیله‌ای محسوب می‌شوند» تصویب شد. این قانون در مدت کوتاهی در سیستم‌های حقوقی تمام جمهوری‌های آسیای مرکزی بازتاب یافت. فهرست اعمال ممنوعه شامل مهریه، ازدواج کودکان، ازدواج اجباری، ازدواج از راه ربودن، تجاوز، چندهمسری و ازدواج با بیوه برادر (لویرات^۱) بود. برای اجرای این قوانین، در سپتامبر ۱۹۲۷ یک شبکه جدید از دادگاه‌ها جایگزین سیستم قضایی پیشین اسلامی شد (Massell, 1974: 206-207). نمودار میله‌ای زیر درصد تأثیر قانون «ازدواج، خانواده و سرپرستی» در دوره شوروی بر زندگی زنان قبل و بعد این قانون را نشان می‌دهد.

^۱. levirate

نمودار ۱. تاثیر «زدواج، خانواده و سرپرستی» در دوره شوروی بر زندگی زنان آسیای مرکزی قبل و بعد از قانون



منبع: تدوین نویسندگان بر اساس اطلاعات محاسبه شده از Massell, 1974: 206-207

اصلاحات صورت گرفته در آسیای مرکزی به بهبود چشمگیر رفاه زنان از برابری حقوقی گرفته تا دسترسی به آموزش و مشارکت دادن زنان در نیروی کار منجر شد. البته فعالیت واحد امور زنان (ژنسکتورها) در آسیای مرکزی تا ۱۹۳۴ ادامه داشت.

تأثیر سوادآموزی و تحصیل بر جایگاه زنان. تعلیم و آموزش زنان از همان روزهای نخست انقلاب اکتبر مورد توجه بلشویک‌ها قرار گرفت؛ زیرا باور داشتند آزادسازی زنان نخستین گام برای آزادی نسل‌های بعدی کمونیسم است. گفتمان ایده زن نمونه کمونیستی و برابری جنسیتی در مجله زن شوروی (کمونیستکا)^۱ دنبال می‌شد. این مجله یکی از نهادهای اصلی در اداره امور زنان در سازمان زنان حزب کمونیست بود که به صورت ماهیانه منتشر می‌شد. بیشترین تصمیم‌گیری‌ها برای فعالیت‌های ژنوتدل در جهت اجرای سیاست‌های تعیین شده توسط حزب بود. مقاله الکساندرا کولونتای با عنوان «مبارزه طبقاتی و کارگر زن» در مجله زن شوروی (کمونیستکا) در سال ۱۹۲۰ چاپ شد. کولونتای که خود یکی از رهبران ژنوتدل بود این مقاله را برای اطمینان از مشارکت زنان در تقویت ارتش سرخ

^۱. Soviet Woman (Kommunistka)

و «جبهه انقلابی» نوشته بود که شامل فعالیت‌هایی همچون خدمت زنان در گردان‌های مسلح، اداره پست، شرکت در گروه‌های دفاعی، کندن سنگرها و همچنین بسیج برای انجام خدمات برنامه‌ریزی‌شده در نیروی شبه‌نظامی بود (Kollontai, 1920: 5).

در آسیای مرکزی، واحد امور زنان (ژنسکتورها) فرصت‌های جدیدی برای حضور زنان مسلمان در زندگی عمومی ایجاد کرد. کمیته‌های حزبی مناطق و شهرها برای فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در میان زنان سازمان‌دهی شدند. مدارس سوادآموزی با عنوان لیک‌بز^۱ زنان را سازمان‌دهی می‌کردند. فارغ‌التحصیلان این مدارس در دوره‌های آموزشی مامایی، مدیریت مهدکودک‌ها و تدریس در مدارس دخترانه شرکت می‌کردند و در حقیقت نقش بزرگی در حمایت از منافع زنان داشتند.

نتیجه تبلیغات و تعلیم سازمان زنان حزب کمونیست در آزادسازی زنان آسیای مرکزی از چارچوب سنتی در این گزارش آمده است. بر پایه گزارش کمیسیون بررسی و بهبود کار زنان در کمیساریای خلق در اقتصاد^۲ در سال ۱۹۲۶ تعداد دختران از کل دانش‌آموزان مدارس ۳۱.۷ درصد بود و در سال ۱۹۲۸-۱۹۲۹ این میزان به ۳۸.۲ درصد رسید؛ در مدارس فنی، در سال ۱۹۲۷، ۱۴ درصد از دانش‌آموزان ثبت‌نام‌شده دختر بودند؛ در کارگاه‌های آموزشی ۱۷.۷ درصد و در مدارس شبانه ۲۳ درصد بودند. در سال ۱۹۲۶، زنان ۶ درصد از کل کاربران ماشین‌آلات کشور را تشکیل می‌دادند و تنها پس از آن، زمانی که کشور دوره صنعتی‌سازی کامل را تجربه کرد، این تعداد به ۲۸ درصد افزایش یافت (Alferova, 2011: 108). در گزارشی دیگر پیش از انقلاب، تنها حدود ۲ درصد از کل زنان (در بازه سنی ۹ تا ۴۹ سال) در آسیای مرکزی باسواد بودند؛ این رقم در سال ۱۹۹۱ به حدود ۹۰ درصد رسید. در بسیاری از پایگاه‌های داده وضعیت آموزشی در آسیای مرکزی در دوران اتحاد شوروی مانند گروه بانک جهانی و مؤسسه همکاری‌های بین‌المللی اتحادیه آموزش بزرگسالان آلمان^۳ میزان سواد جمعیت بزرگسال حدود ۹۶ تا ۱۰۰ درصد بود. بر اساس داده‌های سرشماری اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹، یعنی دو سال پیش از فروپاشی، درصد جمعیت با تحصیلات متوسطه ناقص، متوسطه کامل، تخصصی متوسطه و آموزش عالی در کشورهای آسیای مرکزی به شرح زیر بود:

^۱. likbez

^۲. Narkomhoz

^۳. DVV International: Deutscher Volkshochschul-Verband e.V.
(the German Adult Education Association)

جدول ۱. داده‌های سرشماری اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹

کشور	کل (درصد از جمعیت بالای ۱۵ سال)	آموزش عالی	تخصصی متوسطه	متوسطه کامل	متوسطه ناقص
قزاقستان	۸۴.۲	۹.۴	۱.۶	۳۹.۱	۱۸.۴
ترکمنستان	۸۶.۴	۸.۳	۱.۴	۴۲.۷	۲۱.۳
قرقیزستان	۸۵.۷	۷.۷	۱.۵	۴۰.۳	۱۹.۴
تاجیکستان	۸۳.۷	۷.۵	۱.۴	۴۱.۹	۲۱.۱
ازبکستان	۸۶.۷	۹.۲	۱.۹	۴۰.۸	۱۹.۸

منبع: مؤسسه همکاری‌های بین‌المللی اتحادیه آموزش بزرگسالان آلمان

<https://www.dvv-international.de/en>

سازمان زنان حزب کمونیست (ژنوتدل) و واحد امور زنان (ژنسکتورها) در واقعیت با ارتقاء وضعیت تحصیلی زنان، فرصت‌های اجتماعی کم‌مانندی برای آن‌ها فراهم کردند. این داده توسط دانشگاه دوک^۱ در سال ۱۹۹۴ منتشر شده که آمار مقایسه‌ای مربوط به دستاورد مقام‌های شوروی در آموزش جمعیت آسیای مرکزی (زن و مرد) در سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۵۶ را این‌گونه اعلام کرده است:

جدول ۲. نرخ سواد شهروندان شوروی، سرشماری‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۵۶

گروه قومی	جمعیت (۱۹۲۶)	تعداد باسوادان (۱۹۲۶)	درصد باسوادان (۱۹۲۶)	جمعیت (۱۹۵۶)	تعداد باسوادان (۱۹۵۶)	تعداد باسوادان (۱۹۵۶)
قره‌قالپاق	۳۰۳،۱۴۶	۰۵۶،۲	۱۳ درصد	۸۲۲،۱۷۰	۲۶۱،۸۷	۵۱.۰ درصد
قزاق	۶۱۱،۸۳۱،۳	۳۴۰،۲۶۴	۷.۰ درصد	۴۰۳،۲۳۲،۳	۳۵۲،۷۸۵،۱	۵۲.۱ درصد
قرقیز	۳۹۱،۷۶۲	۳۴.۵۶۰	۴.۵ درصد	۰۰۱،۹۶۲	۳۷۶،۵۰۴	۵۲.۴ درصد
تاجیک	۶۲۷،۹۷۸	۹۸۳،۲۱	۲.۲ درصد	۸۳۵،۳۸۵،۱	۹۱۲،۷۲۵	۵۲.۳ درصد
ترکمن	۹۶۳،۷۵۵	۴۶۵،۱۵	۲.۰ درصد	۶۴۳،۹۸۵	۵۲۴،۵۱۱	۵۱.۹ درصد
ایغور	۵۲۴،۴۲	۹۴۶،۱	۴.۵ درصد	۹۷۴،۹۲	۷۱۶،۵۰	۵۴.۵ درصد
ازبک	۸۵۸،۹۰۳،۳	۹۳۸،۱۴۸	۳.۸ درصد	۱۴۷،۹۷۳،۵	۴۶۰،۰۷۰،۳	۵۱.۰ درصد
مجموع	۰۰۴،۴۲۱،۱۰	۲۸۸،۴۸۹	۶.۳ درصد	۸۲۵،۸۰۲،۱۲	۶۰۱،۷۳۵،۶	۵۲.۱ درصد

منبع: Allworth, 1994: 376

^۱. Duke University

بر پایه آماری که آلورث در مقاله «جامعه روشنفکری و ادبی در حال تغییر» ارائه می‌دهد قبل از انقلاب اکتبر، تنها ۲ درصد از زنان در آسیای مرکزی باسواد بودند و باسوادترین گروه قومی - قزاق‌ها - ۷ درصد جمعیت باسواد داشتند (Allworth, 1994: 376).

تاثیر اسلام‌زدایی و برداشتن حجاب بر جایگاه زنان. از دیدگاه بلشویک‌ها آداب و رسوم اسلامی که سالیان دراز در این منطقه ریشه دوانده بود، مانعی بر سر راه نفوذ ایدئولوژی کمونیستی به شمار می‌آمد. در ادبیات بلشویکی حجاب زنان در آسیای مرکزی گواهی بود برای وجود نگرش‌های فئودالی-پدرسالارانه در منطقه. جالب آن است که به فرمان استالین در سال ۱۹۲۶ به بهانه پروژه نوسازی در آسیای مرکزی پویش مبارزه با عقب‌ماندگی زنان به‌ویژه حجاب پدید آمد. این پویش «هجوم^۱» نام داشت و عملکرد آن منطبق با تعبیر واژه هجوم آوردن و تهاجم به فرهنگ سنتی آسیای مرکزی بود. ایده اصلی این پویش، لغو انزوای زنان، به‌ویژه برداشتن حجاب بود. از این‌رو نخستین اقدام‌های هجوم آن بود که در ۷ مارس ۱۹۲۷ مراسم‌های عمومی «از میان برداشتن حجاب» برپا کردند و همسران و نزدیکان اعضای محلی حزب بر اساس دستوری که داشتند، بدون حجاب در این مراسم‌ها شرکت می‌کردند.

در برنامه «هجوم» زنان بومی هدف پروژه نوسازی بودند، با این تصور که زنان قشر زیر بار فشار بورژوازی هستند، پس به‌آسانی آماده شورش علیه این ساختار می‌شوند. پیامدهای این دگرگونی‌ها باردیگر متوجه زنان بود، چرا که با واکنش شدید روحانیان بومی روبه‌رو می‌شدند. در رابطه با زنان ازبکی که حجاب را برداشتند، این‌گونه توصیف شده است که زنان «در مرکز این مبارزه قرار داشتند و آن‌ها بودند که بیشترین فشار اجتماعی را تحمل کردند. بسیاری از زنان برای دوری از خطر حمله و تمسخر، به‌طور کامل از زندگی عمومی ناپدید شدند. این رویداد به‌عنوان طوفانی از خشونت علیه زنان توصیف شد. خشمی که چندین سال طول کشید و صدها یا حتی هزاران نفر را به کشتن داد» (Massell, 1974: 281-284). دورانی که بلشویک‌ها به دید تهدید به اسلام و روحانیان می‌نگریستند. بار دیگر این زنان بومی منطقه بودند که به بهانه نوگرایی هدف دین‌زدایی قرار گرفتند.

۱. (Khojzum) "Hojum" به مجموعه‌ای از عملیات‌های اجباری و گسترده در دهه ۱۹۴۰ اشاره دارد که در آن‌ها میلیون‌ها نفر از اقلیت‌های قومی مختلف از مناطق بومی خود در اتحاد شوروی به مناطق دورافتاده آسیای مرکزی تبعید شدند. این اقدام‌ها با فرمان جوزف استالین و با هدایت کمیته امنیت دولتی شوروی (NKVD) انجام گرفت و به‌عنوان یکی از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ شوروی شناخته می‌شود.

رویکرد بلشویک‌ها نسبت به اسلام و مذهب در آغاز مسالمت‌آمیز به نظر می‌رسید، اما رفته‌رفته با اعمال زور همراه شد. مساجد و مراکز مذهبی در سراسر آسیای مرکزی تعطیل شدند، روحانیان دستگیر شدند و به موجب آن قوانین شریعت در تنظیم روابط خانوادگی مسلمانان آسیای مرکزی بی‌اعتبار اعلام شد (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۲۴-۲۰۱). این تحول‌ها تأثیرگذاری سازمان زنان حزب کمونیست (ژنوتدل) در فراخواندن زنان به مشارکت در باشگاه‌ها و تعاونی‌ها را که پیش از سال ۱۹۲۷ حاصل شده بود؛ تضعیف کرد. در اوج خشونت‌های ناشی از پویش هجوم بیشتر زنان آسیای مرکزی اجازه ترک از منزل را نداشتند؛ چه برسد به آن که مجال شرکت در این مراسم‌ها را داشته باشند. درصد اندکی از زنان بومی که از سازمان زنان حزب کمونیست (ژنوتدل) یا واحد امور زنان (ژنسکتورها) حمایت می‌کردند، زنان جدیدگرایان بودند. بیشتر جدیدی‌ها افراد باسوادی بودند که انقلاب بلشویکی را فرصتی برای تحقق آرمان‌های خود می‌دانستند. این زنان، «اگرچه تنها چند صد تن، اما باسواد و مصمم بودند. بسیاری از آن‌ها که به ژنوتدل پیوستند، در مدارس جدیدی یا توسط اوتین‌ها^۱ (آموزگاران زن خانگی) آموزش دیده بودند». زنان جدیدی خود را نمودی از زن مسلمان تحصیل کرده می‌دانستند و اعتقاد داشتند «زنان بومی می‌توانند پیشرفت کنند، درحالی‌که هویت خود به‌عنوان زنان مسلمان را حفظ می‌کنند». مسئله قابل‌تأمل آن است که آن‌ها باور داشتند که «حجاب یادگاری از گذشته است و برای یک ملت مسلمان نوین مناسب نیست» (Kamp, 2016: 35-36). برخی پژوهشگران عقیده دارند ایده مبارزه باحجاب توسط بلشویک‌ها آغاز نشد، بلکه پیش از آن زنان جدیدی آسیای مرکزی بدون حجاب بودند.

تأثیر مشارکت زنان در چرخه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر جایگاه آنان. از برجسته‌ترین اهداف رهبران بلشویکی مشارکت دادن زنان در تولید، اقتصاد کمونیستی و در نهایت ساخت سوسیالیسم بود. به این منظور از سال‌های پس از انقلاب تا اوایل دهه ۱۹۳۰ تمرکز دولت شوروی بیشتر بر مسائل اصلاحات حقوقی و آموزش در حوزه زنان بود. با نزدیک شدن به جنگ جهانی دوم و فرستادن جمعیت عظیمی از مردان به ارتش، مشارکت دادن زنان در چرخه صنعتی و اقتصادی با شتاب بیشتری صورت گرفت به گونه‌ای که نسبت زنان در تولید و صنعت کشور به ۶۳.۵ درصد رسید. به گفته ژیل لاپیدوس «در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵، بیش از ۲۵ هزار زن برای کار با تراکتور آموزش دیدند. در طول جنگ، ۶۴ هزار زن به سمت‌های ارشد در کشاورزی اشتراکی منصوب شدند و همه وظایف اساسی کار نظامی را به دوش کشیدند» (Lapidus, 1978: 166).

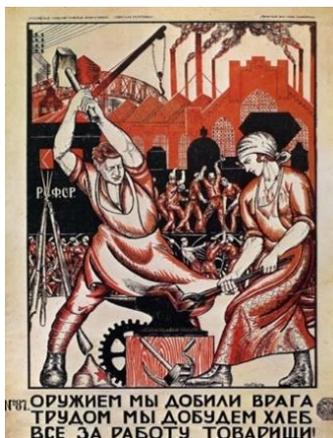
^۱ به روسی отины

مردم آسیای مرکزی باور داشتند که زنان بدون رضایت یک مرد قادر به تصمیم‌گیری نیستند. مردها معتقد بودند زنان برای فعالیت‌های سیاسی و مدیریت مسائل کلان سیاسی ساخته نشده‌اند، زیرا آن‌ها در سرشت خود احساسی هستند و این خود در تضاد با منطق سیاست است. در دوران خروشچف بازبینی‌ها و استالین‌زدایی‌ها فرصت بی‌مانندی برای انتقاد از نبودن زنان در سیاست ایجاد کرد. خروشچف در این زمینه اظهار داشت: «نباید نادیده گرفته شود که بسیاری از نهادهای حزبی و دولتی با احتیاط زنان را برای سمت‌های رهبری پیشنهاد می‌کنند. تعداد بسیار کمی از زنان در سمت‌های رهبری حزب و شوراها حضور دارند، به‌ویژه در میان دبیران کمیته‌های حزبی، رؤسای کمیته‌های اجرایی شوراها و در میان مدیران واحدهای صنعتی، مزارع اشتراکی، ایستگاه‌های ماشین‌آلات کشاورزی و مزارع دولتی». در پی فعالیت‌های شورای زنان (ژنسوتی) به فرمان خروشچف اقدام‌های مثبتی برای جذب زنان در حوزه سیاست انجام شد. برای نمونه سهمیه‌ای تعیین شد تا نمایندگی زنان در پارلمان تضمین شود که این سهمیه ۲۳ درصد تا ۳۰ درصد از کرسی‌های پارلمان را شامل می‌شد. برخی از سمت‌ها نیز در اتحادیه‌ها و سازمان‌ها برای زنان تضمین شده بود (Buckley, 1997: 111). در دوران برژنف فعالیت ژنسوتی در حوزه سیاست و مشارکت دادن زنان عملکرد ضعیفی داشت؛ از این رو در نیمه دهه ۱۹۸۰، گورباچف خواستار احیای بخش زنان زیر کمیته ملی زنان شد. در سال ۱۹۸۹، ۱۶ درصد از افراد برگزیده در کنگره ملی نمایندگان مردم زن بودند. گورباچف مطابق با تعهد خود برای تشویق زنان به اظهارنظر، تعدادی از کرسی‌ها را به آن‌ها اختصاص داده بود.

تأثیر تبلیغات و رسانه بر جایگاه زنان. بلشویک‌ها از تأثیر تبلیغات و رسانه در ارتقا فرهنگ زنان و پیشبرد پروژه ملت‌سازی کاملاً آگاه بودند. از همین رو، تبلیغات در مورد ارتقا جایگاه زنان و برابری سیاسی و اجتماعی زنان با مردان به ادبیات غالب در ترویج ایدئولوژی کمونیستی تبدیل شد. کلمنتس در اثر مشهور خود با عنوان «تولد زن جدید شوروی» در توصیف زن جدید شوروی می‌نویسد: «او فروتن، سخت‌کوش، وفادار، شجاع، دلیر، پرکار، پرانرژی و بیشتر جوان بود. او به رفاه شخصی خود فکر نمی‌کرد. اگر در خط مقدم نیاز بود، می‌توانست با وجود پیشیمانی، فرزندان خود را ترک کند؛ می‌توانست سختی‌های جسمی را تحمل کند، بدون تزلزل مبارزه کند و در صورت اسارت، شکنجه و حتی مرگ را بپذیرد، زیرا آن را قربانی‌ای برای ساختن دنیایی بهتر می‌دانست» (Clements, 1989: 130). منظور از ساختن دنیایی بهتر همان ساختن سوسیالیسم با بسیج کردن همه افراد جامعه است، جایی که زنان برابری سیاسی و اجتماعی را تجربه می‌کنند.

پیش تر به نقش مجله زن شوروی (کمونیستکا)^۱ در ارتقاء جایگاه زنان از روش آموزش و تربیت زن جدید شوروی اشاره شد. مجله کمونیستکا به عنوان اهرم ایدئولوژیک شوروی در ژنوتدل عمل می کرد و در حقیقت پروژه ملت سازی را از راه تبلیغات پیش می برد. مجله زن شوروی (کمونیستکا)^۲ یک نشریه پرتیراژ در اتحاد شوروی بود که در سال ۱۹۴۵ با هدف ترویج دستاوردهای زنان در جامعه شوروی راه اندازی شده بود. مقاله ای با تیتراژ «کمونیسم همان زندگی ای است که همه آرزو دارند داشته باشند» به روشنی تصویری از موفقیت زنان در شوروی ارائه می دهد. در سال ۱۹۵۷ این مجله گزارش های متعددی از زنان موفق در جمهوری ها آسیای مرکزی منتشر کرد تا موفقیت کمونیسم در پیدایش زن جدید شوروی حتی در ترکیب چندملیتی به جهان بیرون عرضه کند. از دیگر روش های تبلیغات در پیش بردن زنان به هویت شوروی می توان به نقش پوسترها اشاره کرد. در سال های بعد از انقلاب اکتبر، پوسترها با محتوای برتری کمونیسم بر سرمایه داری منتشر می شد. رفته رفته محتوای تبلیغات به ایجاد انسان جدید شوروی و زن جدید شوروی تغییر یافت (شکل ۱). پوستر زن آهنگر را همراه با مرد آهنگر به تصویر می کشد که پا به پای یکدیگر مشغول به کار هستند. متن نوشته شده در زیر پوستر گویای ایدئولوژی کمونیستی است.

شکل ۱. پوستر زن و مرد آهنگر



«با سلاح دشمن را شکست دادیم. با کار نان به دست می آوریم. رفقا، بیایید کار کنیم!»

منبع: Nikolai Kogout, 1920

^۱. Soviet Woman (Kommunistka)

^۲. Soviet Woman (Kommunistka)

پوسترهای تبلیغاتی بالا نشان می‌دهد که ادبیات بلشویکی به دنبال تشویق زنان به تحصیل و حذف آنان از بردگی در آشپزخانه بود، ولی این کار در جهت ساخت سوسیالیسم و شرکت‌دادن زنان در کارهای مفیدتر انجام می‌گرفت.

۲. دوران پساشوروی کشور قزاقستان

پروژه ملت‌سازی و بازسازی هویت ملی در قزاقستان پساشوروی. پس از فروپاشی اتحاد شوروی در پایان سال ۱۹۹۱، قزاقستان آخرین کشوری بود که در دسامبر همان سال استقلال خود را اعلام کرد. قزاقستان به عنوان یک کشور پساکمونیستی با گذشت سه دهه از فروپاشی سه مرحله از گذار را تجربه می‌کند که مورد آخر مربوط به موضوع پژوهش پیش رو است. این مراحل شامل: از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار، از اقتدارگرایی به دموکراسی و از یک دولت فدرال متمرکز به یک دولت - ملت با حاکمیت است. با فروپاشی اتحاد شوروی و رویارویی با میراث کمونیستی و چالش‌های بازتعریف هویت ملی، اینک قزاقستان بود که باید با هدف ایجاد «دولت - ملت دارای حاکمیت» فرایند ملت‌سازی را پشت سر می‌گذاشت. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های قزاقستان در پیشبرد ایجاد «دولت - ملت دارای حاکمیت» موضوع هویت‌سازی^۱ است. گفتمان مارکسی - لنینی که برای چندین دهه پروژه ملت‌سازی و هویت ملی شوروی را شکل داده و تقویت کرده بود، سرانجام فروپاشید و فضایی برای «بازسازی هویت ملی» از راه گفتمان‌های جایگزین برای قزاقستان فراهم کرد. نگارنده مقاله «ساخت هویت در قزاقستان» باور دارد که نورسلطان نظربایف به عنوان اولین رئیس جمهور کشور قزاقستان «از الگوی دیکتاتوری که در بیشتر جمهوری‌های پیشین شوروی دیده می‌شود، چندان فاصله نگرفت... نظربایف یک دولت تام‌گرای پنهان ایجاد کرده است که در سطح بین‌المللی به عنوان یک دیکتاتوری نرم شناخته می‌شود. او نه تنها با اصلاح قوانین به نفع حاکمان، بلکه با ایجاد سیستمی دولتی که در آن اشتغال مستلزم عضویت در حزب حاکم (نور اوتان^۲) است، مخالفان را سرکوب کرده است.» (Roman, 2020: 349). اقدام‌هایی همچون تغییر نام بلوارها، مؤسسه‌ها، دانشگاه‌ها به نام نظربایف؛ استفاده از واژه «نور» در خبرگزاری‌ها و همچنین حزب حاکم؛ تغییر نام پایتخت کشور از آستانه به نورسلطان با موافقت رئیس جمهور وقت قاسم جومارت توکایف در سال

^۱. Branding

^۲. "Нұр Отан" به صورت "نور اوتان" نوشته می‌شود. نور اوتان نام حزب حاکم در قزاقستان بود که در سال ۲۰۲۲ به "Аманат" یا امانت تغییر نام داد.

۲۰۱۹؛ حذف مجسمه‌ها و تندیس‌ها؛ تغییر نام خیابان‌ها و میدان‌ها؛ بازنویسی تاریخ قزاقی در کتاب‌های درسی همگی ترجمانی از «روسی‌هراسی» و «قزاقی‌سازی به شیوه بلشویکی» هستند. «مفهوم شکل‌گیری هویت دولتی جمهوری قزاقستان» در سال ۱۹۹۶ تصویب شد. در حقیقت، این بحث‌ها پس از انتشار نامه‌ای سرگشاده در روزنامه روسی‌زبان و اقتصادی نسل جدید^۱ که به امضای حدود ۱۵۰ نفر از بازرگانان، سیاست‌گذاران برجسته و تحصیل‌کرده در غرب قزاقستان رسیده بود، شدت گرفت. در این نامه، نویسندگان خواستار ایجاد «ملت قزاقستانی» شدند که شامل همه شهروندان قزاقستان، صرف نظر از پیشینه قومی بود. در سال ۱۹۹۷، رئیس‌جمهور نظربایف چندین بار به این موضوع در چارچوب سند استراتژیک توسعه «قزاقستان-۲۰۳۰» اشاره کرد. او با وجود ترجیح استفاده از اصطلاح قزاقستانی‌ها^۲ به جای ملت قزاقستانی^۳، استدلال کرد که شکل‌گیری یک ملت از طریق فرایندی طولانی و طبیعی در تاریخ اتفاق می‌افتد و بر سرنوشت مشترک همه قزاقستانی‌هایی که در این کشور زندگی می‌کنند، تأکید داشت (Burkhanov, 2017: 1-15).

در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰، پیش‌نویس نخستین «آیین وحدت ملی» به‌عنوان یک سند اعلامی توسط اندیشکده‌های شبه‌رسمی تهیه شد که به مفهوم «ملت قزاقستانی» اشاره داشت و چارچوبی هنجاری برای عناصر تشکیل‌دهنده هویت مدنی قزاقستانی ارائه می‌کرد (Sadvokassova, Burkhanov & Sharipova, 2025: 118). از هنگام انتقال قدرت در سال ۲۰۱۹ و به‌ویژه پس از رویدادهای ژانویه ۲۰۲۲^۴ که به تغییرهای اساسی در ساختار قدرت منجر شد و بسیاری از اعضای دولت قبلی و اعضای خانواده رئیس‌جمهور سابق نظربایف از سمت‌های برجسته دولتی کنار رفتند، رئیس‌جمهور قاسم توکایف بازنگری در برخی از سیاست‌ها و روایت‌های مربوط با هویت را آغاز کرد. سیاست‌های قزاقستان در حل مسائل مربوط به تنوع قومی، معضل سیاست زبانی، شکاف‌های درون قزاقی، بی‌ثباتی سیاسی، مشکلات اقتصادی، تنش‌های اجتماعی و نابرابری جنسیتی همگی فرایندی برای بازسازی هویت این کشور به شمار می‌آیند که تأثیر مستقیمی در «تداوم مسئله زن» دارند. در میان کشورهای آسیای مرکزی قزاقستان نخستین کشوری بود که در سال ۲۰۰۶ سازمان ملی برای ترویج برابری جنسیتی ایجاد کرد: با عنوان: کمیسیون ملی زنان، خانواده و سیاست جمعیت.

^۱. Novoe Pokolenie

^۲. Kazakhstansy

^۳. Kazakhstanskaia natsiia

^۴. ژانویه خونین (Qandy Qantar): شورش‌های گسترده مردم در اعتراض به افزایش بهای سوخت و مسایل سیاسی

علاوه بر این، قزاقستان در سال ۱۹۹۸ به کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان پیوست. در سال ۲۰۰۹، قانون تضمین حقوق برابر و فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در این کشور تصویب شد. در سال ۲۰۱۶، مفهوم سیاست خانواده و جنسیت تا سال ۲۰۳۰ تصویب شد تا با تضمین حقوق برابر برای همه افراد از تبعیض جنسیتی جلوگیری کند. این اقدام‌ها نشان‌دهنده تمایل این کشور برای همسویی با استانداردهای بین‌المللی در زمینه حقوق زنان و تلاش برای یکپارچه‌سازی در جامعه بین‌المللی بود. پیوستن به این کنوانسیون تعهدهایی برای قزاقستان ایجاد کرد تا تبعیض علیه زنان را در تمامی اشکال آن حذف و در جهت برابری جنسیتی در قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های اجتماعی خود اقدام کند. با در نظر گرفتن گذشته زنان در آسیای مرکزی و کشور قزاقستان در دوران شوروی و سیاست‌های بلشویکی در جهت حل مسئله زن، اینک پرسش‌هایی از این جنس مطرح می‌شوند که زنان در جامعه کنونی قزاقستان چه نقش و جایگاهی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند؟ فروپاشی اتحاد شوروی چگونه به دگرگونی جایگاه و هویت زن پسا شوروی در کشور قزاقستان منجر شد؟

فرایند پیدایش هویت زن قزاقی زیر نفوذ ملت‌سازی قزاقستان پسا شوروی.

پروژه‌های ملت‌سازی در کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به گفته شیرین آکینر در مقاله «میان سنت و نوشدگی: دوراهی پیش روی زنان معاصر آسیای مرکزی» بر سه عنصر اصلی تکیه دارند: بازگرداندن ارزش‌های اسلامی به عنوان اخلاق راهنمای جامعه؛ بازتعریف فرهنگ ملی از راه اقدام‌هایی مانند بازنویسی روایت تاریخی برای ایجاد پیوند بین گذشته پیشاستعماری و دوران پسا شوروی و زنده کردن نهادها، نمادها و مفاهیم سنتی «اصیل» در مورد مناسبت‌ها و شئونات (Akiner, 2009: 284). این نویسنده اشاره می‌کند که هر سه عنصر در بازتعریف چارچوب روابط جنسیتی، جایگاه و هویت زنان نقش دارند. آنچه در تاثیر شکل‌گیری هویت زنان از این خوانش‌ها برمی‌آید عبارتند از: نقش نفوذ اسلام، زنده شدن ارزش‌های اسلامی و تقابل آن با نوگرایی؛ زنده شدن مفهوم اصالت و بازگشت به سنت؛ نفوذ ایدئولوژی خارجی و بازسازی سیستم حقوقی و مدنی در پس این تحولات است.

تأثیر بازاسلام‌گرایی و زنده شدن مفاهیم سنتی بر جایگاه زنان. در سال‌های

پایانی پرسترویکا گفتمان عمومی در مورد «بازاسلام‌گرایی»^۱ آغاز شد. اگرچه حق آزادی دین در قزاقستان در قانون اساسی سال ۱۹۹۳ تصویب شده است؛ رویکرد قزاقستان در

^۱. Re-Islamization / реисламизация

بازیابی ارزش های اسلامی بیشتر با هدف زنده کردن اخلاقی و هویتی جامعه قزاقستان در جریان است. آموزش دینی قزاق ها بیشتر زیر نظر مفتیات قرار دارد، که یک نهاد رسمی با صلاحیت قضایی در امور مذهبی اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان قزاقستان است که پیرو مذهب حنفی اهل سنت هستند. در جامعه قزاقستان هویت های جنسیتی با تأکید بر اسلام و مردسالاری شکل گرفته است، به طوری که نقش زنان به عنوان مادران اهمیت ویژه ای دارد. ایده محافظه کارانه دولت حاکم با این رویکرد که زیست شناسی سرنوشت^۱ و عامل اصلی تعیین کننده نقش زنان به عنوان مادران است، در این کشور در حال گسترش است. از این رو، روندهای تغییر در زمینه های باروری، سقط جنین، ازدواج، چندهمسری، روابط خانوادگی و خشونت، پوشش و آموزش زنان مسائلی هستند که زیر نفوذ مستقیم این نگاه محافظه کارانه قرار دارند.

هویت زنان در جامعه به عنوان مراقبان کودکان و کسانی که توانایی پرورش دارند، مشخص می شود. باید توقع داشت با تأکید بر نقش باروری زنان، وظایف خانگی زنان از همسرداری تا تربیت فرزندان هم جنبه محوری پیدا کند. نمودار زیر نرخ باروری زنان در قزاقستان از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۲ را نشان داده است تا تأثیر نفوذ سیاست باروری زنان در این کشور نمایان شود. بر پایه این آمار که توسط بانک جهانی منتشر شده است در سال ۱۹۹۱ نرخ کل باروری، دو کودک برای هر زن بوده که همین نرخ در سال ۲۰۲۲ به ۳ کودک رسیده است که سیری افزایشی داشته است.

نمودار ۲۱. نرخ باروری زنان در قزاقستان



منبع: World Bank Group, 2022

¹. Biology is destiny

شاید ادعای بزرگی به نظر برسد؛ اما در جوامعی که در مرحله گذار هستند، بازگشت به سنت به بازیگران قدرتمند محلی و ملی این قابلیت را فراهم می‌سازد که نظم اجتماعی را بر اساس منافع بازتعریف کنند؛ چه به صورت قانون رسمیت پیدا کند یا به صورت نانوشته عمومیت داشته باشد. از این رو، «مسائل مربوط به زنان همواره با سنت پیوند خورده است، زیرا سنت اغلب از راه گفتمان‌ها و شیوه‌های مربوط به جنسیت به‌طور ملموس و آشکار حافظ منافع به نفع ثبات قدرت هستند» (Beyer & Finke 2019: 318). در قزاقستان پساشوروی هم مسئله هویت زنان و استحکام وحدت ملی با بازگشت به سنت گره خورده است. به باور نویسندگان «جنسیت و ملت در آسیای مرکزی پساشوروی»، دولت با اعمال سیاست‌ها و اقدام‌هایی مانند تأمین اجتماعی، پوشش، ازدواج و مانند آن، تلاش می‌کند تا تحرک زنان، کنترل آن‌ها بر بدن خود و مشارکت سیاسی‌شان را محدود کند با این هدف که حوزه فعالیت آن‌ها را به چارچوب خانه محدود سازد. در این زمینه، کنشگری برای برابری جنسیتی ممکن است به‌عنوان کسی که ناسازگار با هنجارهای سنتی است، کنار گذاشته شود (Cleuziou and Direnberger, 2016: 198). در یک آمار تکان‌دهنده‌ای که در ۲۰۲۳ در دانشگاه بین‌المللی فناوری اطلاعات آلمانی منتشر شده، آمده است: براساس گفته‌های یک سازمان حقوق زنان، تا ۵۰۰۰ مورد ربودن عروس سالانه در قزاقستان رخ می‌دهد. مرتکبان، زنان جوان را بدون اراده‌شان ربوده و فرار می‌کنند. برای "راضی کردن" آنها، مرتکبان حتی قرآن را در مقابل قربانیان خود قرار می‌دهند (Absatar & Alishayeva, 2023: 43). بسیاری از روشنفکران و نخبگان در قزاقستان بازیابی سنت را توجیه می‌کنند. در حقیقت آن‌ها راه حلی برای مقابله با اصالت از دست‌رفته در دوران شوروی می‌پندارند. دورانی که سیاست همگون‌سازی بلشویک‌ها به از میان رفتن بسیاری از سنت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ ملی منجر شد.

تأثیر نفوذ ایدئولوژی خارجی بر جایگاه زنان. بلافاصله پس از فروپاشی، قزاقستان از یک سو با هجوم موجی از مبلغان دینی و گروه‌های فرهنگی از کشورهای اسلامی مانند ترکیه، عربستان سعودی و ایران روبه‌رو شد. از سوی دیگر با حضور نهادهای غربی برای ارائه برنامه‌های کمک‌های مالی و کمک‌های فنی. با ورود هم‌زمان این دو موج یعنی الگوهای غربی و اسلامی، زنان در قزاقستان با دو طیف جهان‌بینی متفاوت سروکار داشتند. ایدئولوژی غربی از راه سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای دولتی - ملی و همچنین سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها) به برابری جنسیتی، مشارکت سیاسی زنان و استقلال اقتصادی آن‌ها تأکید داشت.

ایدئولوژی اسلامی با هدف زنده کردن ارزش‌های اسلامی می‌کوشید در نقش الگو برآید. این ایجاد تعادل منجر به پیگیری سیاست دوگانه قزاقستان در برابر مسئله زن شد، به بیان دیگر، دولت از یک سو برابری جنسیتی را در اسناد قانونی و برنامه‌های توسعه‌ای گنجانده است. از سوی دیگر، اجازه داد سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی - اسلامی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و خانوادگی حفظ شوند.

در سه دهه گذشته، جمهوری قزاقستان تعهد خود را نسبت به اصول برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان با پیوستن به شماری از توافق‌نامه‌های بین‌المللی نشان داده است مانند: کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان^۱، اعلامیه پکن و برنامه اقدام آن^۲، اهداف توسعه هزاره^۳ و اهداف توسعه پایدار - استراتژی برابری جنسیتی ۲۰۰۶-۲۰۱۶ (OECD). توسعه تدریجی نهادهای توانمندسازی زنان در قزاقستان از سال ۱۹۹۳ آغاز شد، زمانی که شورای امور خانواده، زنان و سیاست جمعیتی زیر نظر رئیس‌جمهور قزاقستان به‌عنوان یک نهاد مشورتی تأسیس شد.

باتوجه به تعهدهای دولت قزاقستان برای رفع شکاف‌ها و تبعیض جنسیتی، گنجاندن ملاحظات جنسیتی در همه سطوح سیاست‌گذاری و قوانین باز هم شاهد آن هستیم که درصد مشارکت زنان در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار اندک است. با آنکه قزاقستان سهمیه ۳۰ درصدی افزایش نمایندگان زن و جوانان در میان نامزدهای پارلمان و نمایندگان در همه سطوح معرفی کرده است، بر اساس آمار که در تارنمای ماژیلینس^۴ منتشر شده در سال ۲۰۲۲، درصد حضور زنان در مجلس پایین حدود ۲۵ درصد (Mazhilis, 2022) و در (مجلس بالا) سنا ۱۹ درصد (Senate, 2022) اعلام شده است.

تأثیر بازسازی سیستم حقوقی و مدنی بر جایگاه زنان. شورای امور خانواده، زنان و سیاست جمعیتی زیر نظر رئیس‌جمهور قزاقستان در سال ۱۹۹۵ برای رسیدگی به چالش‌های پیش روی خانواده‌ها، زنان و کودکان پس از استقلال تأسیس شد. این شورا در سال ۱۹۹۸ به کمیته ملی امور خانواده و زنان^۵ تبدیل شد تا به‌عنوان سازوکاری برای توسعه رویکردها و برنامه‌های راهبردی مشخص در زمینه برابری جنسیتی عمل کند. قانون ازدواج و خانواده در سال ۱۹۹۸ برای بار نخست تصویب و در سال ۲۰۱۱ برای بار دوم بازتعریف و

^۱. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW)

^۲. Beijing Declaration and Platform for Action

^۳. the Millennium Development Goals

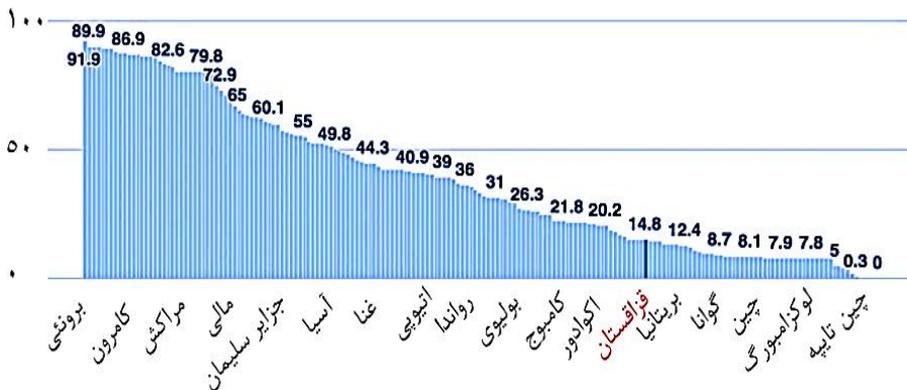
^۴. <https://mazhilis.parlam.kz/en/search?q=women%20participation>

^۵. National Committee for Family and Women's Affairs (NCFWA)

به‌روزرسانی شد. این سند که با امضای نظربایف جنبه قانونی پیدا کرد در ۲۸۳ ماده تنظیم شده است و از حقوق زنان در ساختار خانواده حمایت می‌کند. در گزارش تارنمای نهادهای اجتماعی و جنسیت^۱ شاخص‌ها بر اساس قوانین، هنجارهای اجتماعی و شیوه‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان در قزاقستان تدوین شده است که شامل تبعیض در خانواده، سلامت و امنیت جسمی، دسترسی به منابع تولیدی و مالی و آزادی‌های مدنی است. آمارها نشان می‌دهند که مسئله زنان قزاقستان زیر نفوذ سیاست‌های دولتی در ترویج بازگشت به سنت و جنبش‌های ملی‌گرایانه در محدودکردن فعالیت زنان، خودمختاری آن‌ها بر بدنشان و مشارکت سیاسی‌شان نقش داشته‌اند. در ادامه به توضیح هر یک از شاخص‌ها و گزارش تارنمای نهادهای اجتماعی و جنسیت در سال ۲۰۲۲ می‌پردازیم. گزارش شاخص تبعیض در خانواده نشان می‌دهد که ۱۴.۸ درصد از زنان زیر نفوذ تبعیض جنسیتی در خانواده و سلطه مردها هستند.

نمودار ۳. شاخص تبعیض زنان در خانواده قزاقستان

تبعیض در خانواده: عدد + نشانگر عدم تبعیض و عدد - نشانگر تبعیض کامل



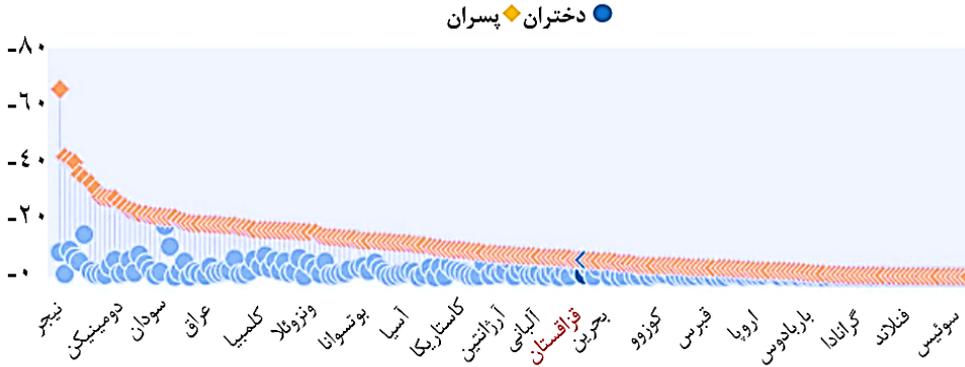
منبع: Social Institutions & Gender Index, 2022

در قانون ازدواج و خانواده حداقل سن ازدواج برای دختران و پسران ۱۸ سال است. با این حال، بر اساس داده‌های تارنمای نهادهای اجتماعی و جنسیت در سال ۲۰۲۲، ۶ درصد از دختران بین ۱۵ تا ۱۹ سال در حال حاضر نامزد، طلاق گرفته یا بیوه شده‌اند.

^۱. Social Institutions & Gender Index (SIGI)

نمودار ۴. شاخص کودک همسری زنان در قزاقستان

نرخ کودک همسری: % پسران و دختران ۱۵ تا ۱۹ سال

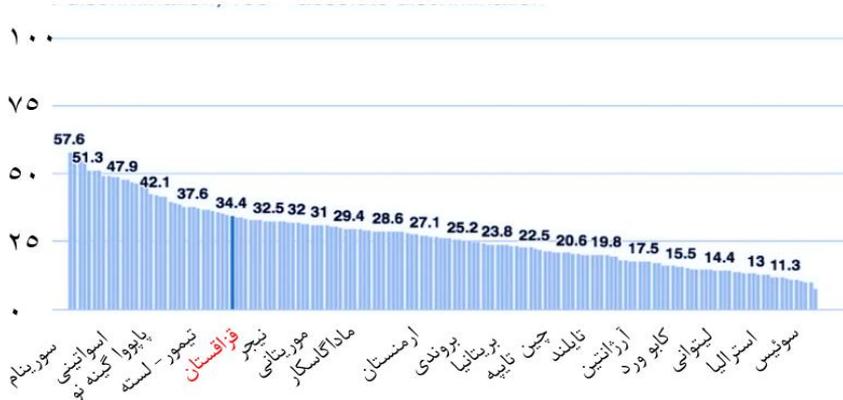


منبع: Social Institutions & Gender Index, 2022

دومین شاخص، سلامت و امنیت جسمی است و مسائلی مانند خشونت علیه زنان (از جمله خشونت توسط شریک زندگی)، آزار و اذیت جنسی و سلامت و حقوق باروری زنان را می‌سنجد. بر پایه گزارشی که در سال ۲۰۲۲ ثبت شده است، ۳۴.۴ درصد زنان در قزاقستان با معضل‌هایی که پیش‌تر اشاره شد روبه‌رو هستند (SIGI).

نمودار ۵. شاخص سلامت و امنیت جسمی زنان در قزاقستان

محدودیت امنیت فیزیکی
عدد ۰ نشانگر عدم تبعیض و عدد ۱۰ نشانگر تبعیض کامل



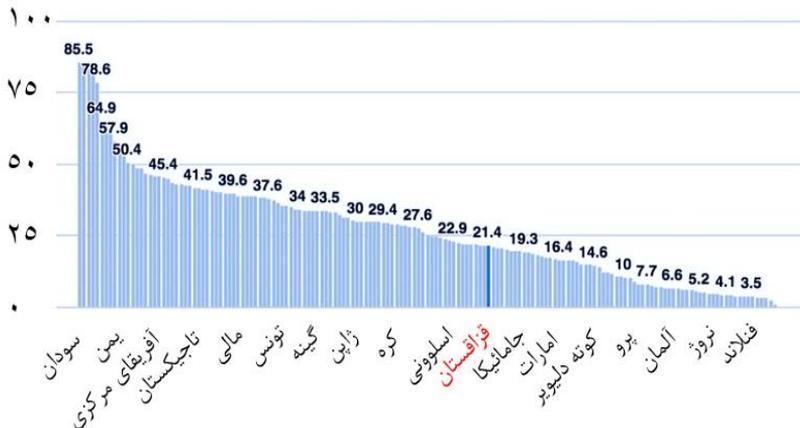
منبع: Social Institutions & Gender Index, 2022

بر پایهٔ آمار این منبع در سال ۲۰۲۲ خشونت علیه زنان در سال ۷۵ درصد و خودمختاری باروری ۷۵ درصد ثبت شده است. در گزارش یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد)^۱ بیان آمده است که در قزاقستان خشونت علیه زنان گسترده و فراگیر است. حتی در مواردی که پیشرفت‌های اساسی حاصل شده است، مانند تصویب استراتژی برابری جنسیتی ۲۰۰۶-۲۰۱۶، اجرای آن ناپایدار بوده و تغییرهای اساسی بسیار محدود بوده‌اند؛ قاچاق انسان، به‌ویژه زنان جوان، همچنان یک مشکل جدی محسوب می‌شود (Bassiuni, 2011: 3).

سومین شاخص، دسترسی به منابع تولیدی و مالی است. بر پایهٔ این آمار ۲۱.۴ درصد زنان از حقوق و فرصت‌های یکسان برخوردار هستند (SIGI).

نمودار ۶. شاخص، دسترسی به منابع تولیدی و مالی

محدودیت در دسترسی به منابع مالی و تولیدی
عدد ۰ نشانگر عدم تبعیض و عدد ۱۰ نشانگر تبعیض کامل



منبع: Social Institutions & Gender Index, 2022

بر پایهٔ این شاخص تبعیض در قوانین مربوط به حقوق محیط کار ۱۰۰ درصد؛ شکاف جنسیتی بین زن و مرد در موقعیت‌های مدیریتی ۵۰ درصد؛ شکاف جنسیتی در موقعیت‌های مدیریتی عالی ۷۵ درصد ثبت شده است (SIGI). آخرین شاخص به آزادی‌های مدنی مربوط می‌شود. این شاخص دسترسی، مشارکت و نقش زنان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی را

^۱. UNESCO

بررسی می‌کند که شامل حقوق قانونی یکسان برای رأی دادن، تصدی مناصب عمومی و سیاسی، حقوق برابر برای دسترسی به عدالت می‌شوند. طبق این آمار ۵.۲۲ درصد زنان از آزادی‌های مدنی برخوردار هستند.

نمودار ۷. شاخص آزادی‌های مدنی زنان

شاخص آزادی‌های مدنی

عدد ۰ نشانگر عدم تبعیض و عدد ۱۰۰ نشانگر تبعیض کامل است



منبع: Social Institutions & Gender Index, 2022

بر اساس این شاخص نمایندگی سیاسی زنان ۲۷ درصد؛ شکاف جنسیتی در احساس امنیت ۶۴ درصد؛ شکاف جنسیتی در اعتماد به نظام قضایی ۴۶ درصد ثبت شده است. در گزارش بانک توسعه آسیا آمده است که قانون اساسی کنونی قزاقستان و اصلاحات حقوقی اخیر بر اصولی استوار هستند که بر برابری دسترسی زنان و مردان به مزایای رشد اقتصادی تأکید دارند. اما در عمل، نسبت زنان در همه سطوح تصمیم‌گیری پایین است، به‌ویژه در مقایسه با دوران شوروی. تغییر شرایط اجتماعی - اقتصادی، همراه با ناامیدی فزاینده زنان از توانشان در تأثیر بر فرایند سیاست‌گذاری به دلیل ساختار بسته نهادهای سیاسی قزاقستان و همچنین علاقه به ایده‌های فمینیستی در میان زنان جوان قزاقستانی و گسترش رسانه‌های اجتماعی، موج اخیر فعالیت زنان در قزاقستان را توضیح می‌دهند (Maltseva, 2021, 333-357).

نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی جایگاه زنان در قزاقستان نشان می‌دهد که پروژه ملت‌سازی شوروی با وجود سرشت ایدئولوژیک و ابزاری خود، توانست بستر مهمی برای بازتعریف هویت زنان فراهم سازد. اصلاحات حقوقی، گسترش آموزش و ورود زنان به عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، تصویری نوین از "زن سوسیالیست" پدید آورد که در بسیاری از شاخص‌ها پیشروتر از جوامع اروپایی زمان خود بود. با این حال، این دستاوردها بیش از آنکه نتیجه اراده مستقل زنان باشد، در چارچوب الزامات دولت شوروی و اهداف ایدئولوژیک بلشویکی تحقق یافت. پس از فروپاشی شوروی، قزاقستان با چالش بازسازی هویت ملی و بازتعریف نقش زنان روبه‌رو شد. ورود گفتمان‌های متعارض از یک سو ملی‌گرایی قزاقی و باسلام‌گرایی، و از سوی دیگر نهادهای بین‌المللی و سیاست‌های نولیبرال - موجب شد که هویت زن قزاقی بار دیگر در تقاطع سنت و نوشدگی (مدرنیته) قرار گیرد.

در دوره پساشوروی، قزاقستان بار دیگر با ضرورت بازتعریف هویت ملی و نقش زنان روبه‌رو شد. ورود هم‌زمان گفتمان‌های متعارض - ملی‌گرایی قزاقی، گرایش‌های مذهبی، سیاست‌های نولیبرال و مداخلات سازمان‌های بین‌المللی - سبب شد که هویت زنان در تقاطع سنت و مدرنیته قرار گیرد و دچار چندپارگی مفهومی شود. اگرچه دولت قزاقستان در سه دهه گذشته سازوکارهای قانونی و نهادی متعددی برای حمایت از برابری جنسیتی ایجاد کرده است، اما استمرار ارزش‌های مردسالارانه، بازتولید الگوهای فرهنگی سنتی، و تقدم ملاحظات ملی‌گرایانه همچنان مانعی جدی در راه تداوم دستاوردهای دوران شوروی است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مسئله هویت زنان در قزاقستان، چه در دوره شوروی و چه در دوره پساشوروی، همواره زیر تأثیر مستقیم پروژه‌های ملت‌سازی قرار داشته است. اگر در دوران شوروی، «زن جدید سوسیالیست» در خدمت ملت‌سازی کمونیستی تعریف می‌شد، در دوره پساشوروی نیز زنان در معرض سیاست‌های دوگانه قرار گرفته‌اند که از یک سو به دنبال تحقق برابری جنسیتی و از سوی دیگر در پی بازتولید سنت‌ها و هویت ملی قزاقی هستند. این رویارویی نشان می‌دهد مسیر زنان قزاق برای دستیابی به هویت مستقل و برابر همچنان مسیری پرچالش و وابسته به تحولات سیاسی و ایدئولوژیک باقی مانده است. این پژوهش نشان می‌دهد که ملت‌سازی، چه در چارچوب ایدئولوژی کمونیستی و چه در قالب نظم ملی‌گرایانه جدید، نقشی تعیین‌کننده در بازتولید هویت زنان داشته و فهم این فرایند برای تحلیل وضعیت کنونی زنان در قزاقستان ضروری است.

منابع و مأخذ

فارسی

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۷)، «مؤلفه‌های هویت با رویکردی پژوهشی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، شماره ۴، ص. ۱-۲۲.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی»، *مطالعات ملی*، دوره ۲، شماره ۵، ص. ۲۷۹-۲۹۸.
- ستاری، جلال (۱۳۷۸)، *هویت ملی و هویت فرهنگ*، نشر مرکز، شماره ۱۶، ص. ۱۱-۳۸.
- عطایی، فرهاد (۱۳۸۷)، «هویت ملی و ملت‌باوری در آسیای مرکزی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، شماره ۲، ص. ۱۸۹-۲۰۴.
- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، «زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۷، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۱-۲۲۴.
- کولایی، الهه، شیرازی موگویی، سیمین (۱۳۹۵)، «تاثیر آزادسازی اقتصادی بر رشد جامعه مدنی در قزاقستان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۹، شماره ۱، ص. ۱۳۳-۱۵۰.
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۶)، *جهانی شدن فرهنگ و هویت*، نشر نی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۲)، «رویارویی تمدن‌ها»، (م. امیری، مترجم)، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. ش. ص. ۶۹-۷۰.

لاتین

- Absatar, A., & Alishayeva, B. (2023), “‘Bird in a Cage’: Traditions and Customs that Restrict Women’s Rights in the Kazakh Context as a Research Topic”, *Ethnics in Progress*, 14(2), 38–49, <https://doi.org/10.14746/eip.2023.2.3>
- Alferova, I. (2011). “Youth Participation in Local Democracy: Youth Delegates Present their Projects to the Congress”, *Human Rights Documents Online*, 43(23), https://doi.org/10.1163/2210-7975_hrd-9953-20180067
- Allworth, E. (1994), *The Changing Intellectual and Literary Community in Central Asia: 130 Years of Russian Dominance, a Historical Overview* (pp. 349–396). Durham, NC: **Duke University Press**, <https://doi.org/10.1215/9780822396246-013>
- Beyer, J., & Finke, P. (2019), “Practices of Traditionalization in Central Asia”, *Central Asian Survey*, 38(3), 310–328, <https://doi.org/10.1080/02634937.2019.1636766>
- Buckley, M. (1997), “Adaptation of the Soviet Women’s Committee: Deputies’ Voices from Women of Russia”, in: M. Buckley (Ed.), *Post-Soviet Women* (pp. 157–185), **Cambridge University Press**, <https://doi.org/10.1017/cbo9780511585197.011>
- Burkhanov, A. (2017). “Kazakhstan’s National Identity-Building Policy: Soviet Legacy, State Efforts, and Societal Reactions”, *Central Asia and the Caucasus*, 18(1), 50–61, <https://doi.org/10.31228/osf.io/2hfr6>
- Cleuziou, J., & Drenberger, L. (2016), “Gender and Nation in Post-Soviet Central Asia: From National Narratives to Women’s Practices”, *Nationalities Papers*, 44(2), 195–206. <https://doi.org/10.1080/00905992.2015.1082997>
- Darbaidze, Eka, and Tamila Niparishvili (2023), “The Status of Women in the Soviet Union”, *Journal of Geography, Politics and Society*, 13(1), 1–10, <https://doi.org/10.26881/jpgs.2023.1.01>

- Edgar, A. L. (2003), "Emancipation of the Uveiled: Turkmen Women under Soviet Rule, 1924–29", **The Russian Review**, 62(1), 132–149, <https://doi.org/10.1111/1467-9434.00267>
- Engel, B. A. (1987), *Women in Russia and the Soviet Union*. Cambridge, England: **Cambridge University Press**.
- Goldman, W. (1993), Soviet Posters in the 1920s and 1930s, in: W. Goldman (Ed.), *Soviet and Nazi Posters*, (pp. 47–70), London: **Bloomsbury Academic**. <https://doi.org/10.5040/9781350399488.ch-3>
- Goldman, W. (2001), Babas at the Bench: Gender conflict in Soviet industry in the 1930s, in: M. Ilic (Ed.), *Women in the Stalin Era*, (pp. 69–88), Houndmills: **Palgrave Macmillan**, https://doi.org/10.1057/9780230523425_5
- Kamp, M. (2016), "The Soviet Legacy and Women's Rights in Central Asia", **Current History**, 115(783), 270–276, <https://doi.org/10.1525/curh.2016.115.783.270>
- Kandiyoti, D. (2007), "The Politics of Gender and the Soviet Paradox: Neither Colonized, Nor Modern?" **Central Asian Survey**, 26(4), 601–623, <https://doi.org/10.1080/02634930802018521>
- Kollontai, A. (1920), "Class War and the Female Worker." In: *Toil the Livelong Day: America's Women at Work, 1780–1980* (pp. xx–xx), **Cornell University Press**.
- Lapidus, G. W. (1978), *Women in Soviet Society: Equality, Development, and Social Change*, California: **University of California Press**.
- Maltseva, Elena (2021), "Women's Political Empowerment in Post-Soviet Kazakhstan," in: Tatiana Karabchuk, and Others, *Gendering Post-Soviet Space*, **Springer**.
- Massell, G. J. (1974), "Muslim Women as a Surrogate Proletariat: Soviet Perceptions of Female Inferiority", in: *The Surrogate Proletariat: Muslim Women and Revolutionary Strategies in Soviet Central Asia, 1919–1929*, (pp. 93–127). **Princeton University Press**, <https://doi.org/10.1515/9781400870295-007>
- Montgomery, D. W. (2022), *Central Asia: Contexts for Understanding*, Pittsburgh, PA: **University of Pittsburgh Press**.
- Mylonas, H. (2012), *The Politics of Nation-Building: Making Co-Nationals, Refugees, and Minorities*, Cambridge: **Cambridge University Press**, <https://www.cambridge.org/9781107661998>
- Pascall, G., & Manning, N. (2000), "Gender and Social Policy: Comparing Welfare States in Central and Eastern Europe and the Former Soviet Union", **Journal of European Social Policy**, 10(3), 240–266, <https://doi.org/10.1177/a013497>
- Sadvokassova, A., Burkhanov, A., & Sharipova, D. (2024), "In Search for Kazakhstani Identity: Societal Perceptions of Kazakhstan's Nation-Building", **Nationalism and Ethnic Politics**, 31(1), 114–137, <https://doi.org/10.1080/13537113.2024.2422198>
- Rutland, P. (2023), "Thirty Years of Nation-Building in the Post-Soviet States", **Nationalities Papers**, 51(1), 14–32, <https://doi.org/10.1017/nps.2021.94>
- Roman, A. (2020), "Identity-Building in Kazakhstan", **Studia Universitatis Babeş-Bolyai Studia Europaea**, 327–358. <https://doi.org/10.24193/subbeuropaea.2020.2.15>
- Sadvokassova, A. (2024), "The Impact of Women's Education on Identity Formation: Case of Kazakhstan", **The Eurasia Proceedings of Educational and Social Sciences**, 39, 179–184, <https://doi.org/10.55549/epess.883>
- Stalin, I. V. (2021), *Marxism and the National and Colonial Question*, Beijing, China: **Foreign Languages Press**, <https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/>
- Ubiria, G. (2016), *Soviet Nation-Building in Central Asia: The Making of the Kazakh and Uzbek Nations*, UK: Routledge.